

دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه

جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته مدیریت آموزشی

عنوان:

بررسی محدودیت‌های تصمیم‌گیری عقلانی در مدیریت مدارس متوسطه‌ی

شهر تهران ۸۷-۱۳۸۶

استاد راهنما

دکتر عباسعلی غلامحسینی

استاد مشاور

دکتر سید مهدی الوانی

دانشجو

شیوا عابد

اسفند 1387

تقدیم به مادرم

اولین آموزگارم و استوارترین تکیه گاهم

روح بزرگ پدرم

و

کسی که در حقم پدری کرد

تشکر و قدردانی

حال که با لطف خداوند در این راه گام نهاده و آن را به اتمام رساندم، بر خود لازم می‌دانم که خاطر نشان سازم که برای به ثمر رسیدن تلاشی که صورت گرفت از راهنمایی‌های ارزنده‌ی آقای دکتر غلامحسینی برخوردار بوده‌ام، از ایشان به خاطر توجه و دقتی که داشته، بسیار متشکرم. از استاد مشاور عزیزم جناب آقای دکتر الوانی که وقت گرانبهایشان را در اختیار من گذاشته و همیشه با صبر و حوصله پاسخگو و مایه‌ی دلگرمیم بودند صمیمانه سپاسگزارم. از خانواده‌ی عزیزم به ویژه برادرانم کمال و شورش به خاطر حمایت‌هایشان و نقشی که در هدایت روح جستجوگرم داشته‌اند تشکر می‌کنم. تلاش‌های بی‌دریغ دوست عزیزم آرزو مام احمدی را که همواره در کنارم بوده و بی‌هیچ چشمداشتی در کلیه‌ی مراحل تحقیق به ویژه جمع‌آوری داده‌ها و تایپ آن یاریم کرده، ارج می‌نهم.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی محدودیتهای تصمیم‌گیری عقلانی مدیران مدارس متوسطه‌ی شهر تهران انجام شد. بدین منظور سبک تصمیم‌گیری مدیران در این مدارس مورد بررسی قرار گرفت. سبک‌های تصمیم‌گیری بررسی شده، سبک‌های عقلانی، رضایت‌بخش و آشوبناک بودند. محدودیتهای اعمال تصمیم‌گیری عقلانی در سه بخش ساختاری، اطلاعاتی و مدیریتی مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی می‌باشد. جامعه‌ی آماری کلیه‌ی مدیران مدارس متوسطه‌ی شهر تهران در سال ۸۷-۱۳۸۶ بوده که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌-ای ۱۱۹ نفر انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات دو پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته بوده که به شیوه‌ی لیکرت در یک مقیاس پنج درجه‌ای طراحی شدند. پرسشنامه‌ی اول به بررسی سبک تصمیم‌گیری مدیران و پرسشنامه‌ی دوم به سنجش عوامل ساختاری، اطلاعاتی و مدیریتی مدارس اختصاص داده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون غیر پارامتری بیشینه‌ی احتمال مجذور خی استفاده به عمل آمد. با توجه به نتایج این پژوهش ۷۲/۳ درصد از مدیران مدارس به صورت عقلانی، ۲۶/۱ درصد رضایت‌بخش و ۱/۷ درصد آنان به سبک آشوبناک تصمیم می‌گیرند. بیشترین موانع تصمیم‌گیری در زمینه‌ی عوامل ساختاری گزارش شده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	- مقدمه
۴	- بیان مسأله
۶	- اهمیت و ضرورت پژوهش
۸	- اهداف پژوهش
۸	- پرسش‌های پژوهش
۹	- تعاریف نظری و اژه‌ها
۱۰	- تعاریف عملیاتی
۱۲	فصل دوم: ادبیات تحقیق
۱۳	- مقدمه
۱۴	بخش اول: ادبیات پژوهش
۱۴	- تصمیم‌گیری
۱۵	- فلسفه و تصمیم‌گیری
۱۶	- اقتصاد و تصمیم‌گیری
۱۶	- جامعه‌شناسی و تصمیم‌گیری
۱۸	- فراگرد تصمیم‌گیری
۲۲	- پیش‌بینی پیامدها

۲۲	- سنجش و انتخاب خطمشی عمل
۲۴	- دامنه‌ی تصمیم‌گیری مدیران مدارس
۲۵	- لزوم تصمیم‌گیری
۲۶	- استراتژی‌های تصمیم‌گیری
۲۶	- مدل کلاسیک: استراتژی حد مطلوب
۲۸	- انواع الگوهای تصمیم‌گیری در فرایند عقلانی
۳۰	- محدودیت‌های تصمیم‌گیری عقلانی
۳۳	- مدل اداری استراتژی رضایت‌بخش
۳۷	- شباهت‌های مدل عقلایی و رضایت‌بخش
۳۷	- مدل باز تصمیم‌گیری
۳۹	- مدل افزایشی
۴۳	- نظریه‌ی آشوب، مدل آشفته، تصمیم‌گیری در شرایط مبهم
۴۶	- عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری مدیران
۵۱	- موانع و مشکلات تصمیم‌گیری
۵۶	- دام‌های تصمیم‌گیری
۶۰	- فرهنگ سازمانی و تصمیم‌گیری
۶۲	- محیط و تصمیم‌گیری
۶۷	- تأثیر تقابل شخصیت و سازمان در تصمیم‌گیری‌های مدیران
۷۰	- کانون کنترل
۷۱	- تمایل به کسب موفقیت
۷۲	- انگیزش و تصمیم‌گیری
۷۵	- اهمیت اطلاعات و تصمیم‌گیری
۷۷	- منابع جمع‌آوری حقایق و داده‌ها
۷۹	- مشارکت و تصمیم‌گیری
۸۲	- مشارکت اولیا و دانش‌آموزان
۸۳	- اختیار
۸۴	- تفویض اختیار

۸۴	- تمرکز و عدم تمرکز
۸۵	- تاریخچه‌ی تمرکزگرایی و تمرکززدایی در آموزش و پرورش
۸۷	- عدم تمرکز و مدرسه‌محوری
۸۸	- موانع و محدودیت‌های مدیریت مدرسه‌محور
۸۸	- آموزش و پرورش، مدیریت و تصمیم‌گیری
۹۰	- لزوم تخصصی شدن مدیریت آموزشی
۹۲	- تحلیل شغلی
۹۳	بخش دوم: پیشینه‌ی پژوهش
۹۳	- پیشینه‌ی پژوهش در داخل کشور
۹۹	- پیشینه‌ی پژوهش در خارج از کشور
۱۰۴	- جمع‌بندی
۱۰۵	فصل سوم: روش گردآوری اطلاعات
۱۰۶	- مقدمه
۱۰۶	- روش تحقیق
۱۰۶	- جامعه‌ی آماری
۱۰۶	- تعیین حجم نمونه
۱۰۷	روش نمونه‌گیری
۱۰۸	- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه
۱۱۱	- ابزار اندازه‌گیری و روش جمع‌آوری داده‌ها
۱۱۴	- روش‌های آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها
۱۱۵	فصل چهارم: روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۱۱۶	- مقدمه
۱۱۷	- سؤال اول پژوهش
۱۱۸	- سؤال دوم پژوهش
۱۲۴	فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۱۲۵	- مقدمه

۱۲۶	- نتیجه‌گیری
۱۳۹	- نتایج جانبی پژوهش
۱۴۱	- نتیجه‌گیری کلی
۱۴۴	- پیشنهادات
۱۴۵	- محدودیت‌های پژوهش
۱۴۶	- فهرست منابع

فهرست جداول و نمودارها

صفحه	عنوان
۱۰۷	- جدول ۱-۳: توزیع فراوانی نمونه‌ها
۱۰۸	- جدول ۲-۳: جنسیت
۱۰۹	- جدول ۳-۳: سن
۱۱۰	- جدول ۴-۳: رشته‌ی تحصیلی
۱۱۰	- جدول ۵-۳: مدرک تحصیلی
۱۱۱	- جدول ۶-۳: سابقه خدمت
۱۱۳	- جدول ۷-۳: شاخص‌های اعتبار به معنای همسانی درونی
۱۱۷	- جدول ۱-۴: شاخص‌های آزمون بیشینه‌ی احتمال مجذور خی (سؤال اول)
۱۱۹	- جدول ۲-۴: شاخص‌های آزمون بیشینه‌ی احتمال مجذور خی (عامل ساختاری)
۱۲۱	- جدول ۳-۴: شاخص‌های آزمون بیشینه‌ی احتمال مجذور خی (عامل اطلاعاتی)
۱۲۲	- جدول ۴-۴: شاخص‌های آزمون بیشینه‌ی احتمال مجذور خی (عامل مدیریتی)

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

جهان به سرعت در حال تغییر با افزایش سریع نیازها و کمبود منابع در جوامع روبرو است. این جوامع برای تأمین فراورده‌ها و خدمات خود به شکل برجسته‌ای به مؤسسات و نهادهای تخصصی وابسته‌اند. یکی از مهمترین این نهادها آموزش و پرورش است. اهمیت این سازمان از یک سو به دلیل اهداف تعلیم و تربیت در هر جامعه و نتایج دامنه‌داری است که به بار می‌آورد و از طرفی آموزش و پرورش جدید در کشورمان به قدمتی، تقریباً " یک صد ساله، به احتمالی بیشترین منابع این دوره از تاریخ کشورمان را به خود اختصاص داده است. این دستگاه و نهاد ملی حدود 15 درصد منابع دولتی و ملی را سالیانه به خود اختصاص می‌دهد (کاکو جویباری، 1380).

اهمیت و نقش آموزش و پرورش در بهسازی و توسعه زندگی فردی و اجتماعی موجب شده است که جامعه و اولیای دانش آموزان انتظار داشته باشند که مدرسه محیطی رشد دهنده، پویا و زمینه ساز پرورش استعدادهای بالقوه و خدادادی فرزندان آنان باشد. تحقق اهداف متعالی آموزش و پرورش و لزوم توجه به روحیات و ویژگیهای نسل جوان، تفاوت‌های ناشی از شرایط جغرافیایی و محیطی و محدودیت منابع و امکانات ایجاب می‌کند که اداره امور مدارس مبتنی بر افزایش قدرت تصمیم‌گیری، استقلال نسبی، انعطاف‌پذیری و روشهای غیرمتمرکز و مشارکت‌جویانه باشد تا بتواند فضای عمومی مدرسه را پویا، پرنشاط و فعال نموده و توانمندیها و خلاقیت‌های مدیران، معلمان و دانش‌آموزان را به خوبی شکوفا و متجلی سازد. سیاستها و راهبردهایی مانند تمرکز زدایی، مدرسه محوری و توسعه مشارکت همه بعدی در همین راستا شکل گرفته‌اند تا زمینه‌ی مناسب-تری برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت فراهم شود (آیین‌نامه‌ی آموزشی مدیران، 1379). راهبردهای کلان آموزش و پرورش، تدوین و تبیین نخواهد شد، مگر با امکان نقد حکیمانه و بی‌پروای همه‌ی مؤلفه‌ها، بخشها و عناصر آن، تا بدین وسیله شکاف بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار بدست آید. از جمله ارزیابی‌های لازم، ارزیابی

سازمانی در مورد منابع انسانی است. یکی از این حوزه‌ها که نیازمند بازنگری و بازسازی علمی است، حوزه‌ی مدیریت آموزشی است (کاکوجویاری، 1380). سیاستگذاران آموزشی، مدیران را محور اصلی در موفقیت برنامه‌های آموزشی جدید دانسته و از آنها بعنوان وسیله‌ای برای ایجاد اصلاحات در مدارس نام می‌برند (هالینجر، 1372). تحقق اهدافی که سازمان بر پایه‌ی آنها مشروعیت پیدا کرده مستلزم اتخاذ تصمیماتی است که بر پایه‌ی آن، اهداف سازمان جنبه‌ی عملیاتی و اجرایی پیدا می‌کند. منبع این تصمیم‌گیری کسانی جز مدیران نیستند (محمدی، 1384). "لیپ هام" مدرسه را کانون اصلی تغییرات اساسی و مهم آموزش و پرورش و مدیر مدرسه را عامل عمده‌ی این تغییر و اصلاح می‌داند (پرداختچی، 1379). در عصر شتاب، سرعت و انفجار اطلاعات، مدیرانی خواهند توانست به اهداف سازمانی خویش جامعه‌ی عمل بپوشانند که از سرعت کافی در تفکر، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا برخوردار باشند. بروز شرایط جدید همواره مدیران واحدهای آموزشی را در معرض تصمیم‌گیری قرار خواهد داد. تصمیم‌گیری در رابطه با دهها مسأله و موضوع مانند مسائل دانش آموزان، معلم، برنامه، امور تحصیلی، بودجه، درگیریها و تعارضهای موجود که دامنه‌ی آن در سطوح مختلف مدیریت آموزشی گسترش می‌یابد. آنان باید بلافاصله با دسترسی به آخرین اطلاعات در کوتاهترین مدت راه‌حل درست را انتخاب یا پیشنهاد نمایند. تعامل انسانی در آموزشگاه و تاثیرات آنی و آتی تصمیمات مدیریت آموزشی بر اهمیت این موضوع می‌افزاید. اما آنچه که بر پیچیدگی این موضوع می‌افزاید این است که تصمیم‌گیری مدیران در مدارس در خلاء صورت نمی‌گیرد بلکه از عواملی تأثیر می‌پذیرد و بر عواملی اثر می‌گذارد. شناسایی این عوامل می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری مدیران و تسهیل روند تغییر در مدارس کمک کند.

بیان مسئله

در عصر حاضر نظام‌های آموزشی از جمله نظام‌هایی هستند که در مسیر تندباد تغییرات قرار گرفته‌اند و باید هرچه سریعتر خود را با این رشد پرشتاب هماهنگ کنند (احمدی، 1383). شواهد و مستندات علمی نشان می‌دهد که هر گونه اصلاح نظام‌های اجتماعی از جمله نظام آموزش و پرورش بیش از همه و پیش از هر چیز مستلزم بازنگری و تجدید ساختار نظام تصمیم‌گیری است (قهرمانی، ۱۳۸۳). یکی از مهم‌ترین این بازنگری‌ها که با هدف تمرکززدایی از نظام آموزش و پرورش صورت گرفته، انتقال محل تصمیم‌گیری به مدارس است. اما این امر تا کنون به طور کامل اتفاق نیفتاده است. از یک طرف مهم‌ترین مسئله‌ای که در نظام آموزشی ما به وضوح می‌توان مشاهده کرد مشارکت‌ناپذیری این نظام به علت ساختار تمرکزگرایانه و آمرانه آن است (سلطانی، 1383). از طرف دیگر مهم‌ترین خرده-سیستم سازمانی که باید در امر تغییر و دگرگونی مورد توجه قرار گیرد، خرده‌سیستم مدیریتی سازمان است (پرداختچی، 1379). ضعف مهارت‌های مدیران مانعی بر سر راه مشارکت‌جویی در تصمیم‌گیری می‌باشد (تورانی، 1380). ساکی (1376) در تحقیق خود ضعف دانش و معلومات حرفه‌ای مدیران را ناشی از ضعف ساختار و تشکیلات آموزش و پرورش می‌داند. شواهد نشان می‌دهد که نظام آموزشی ما دچار یک دورباطل شده است، ضعف‌های مدیران تقویت‌کننده‌ی تمرکز و تمرکز تشدیدکننده‌ی این ضعفها می‌باشد. چگونه می‌توان این دور تسلسل را شکست؟ آیا با حرکت ساختار به سوی عدم تمرکز توان تصمیم‌گیری در مدیران افزایش می‌یابد؟ آیا بهتر نیست که با بالا بردن مهارت‌های تصمیم‌گیری مدیران از تمرکز ساختار کم کرد؟ این که چگونه عدم تمرکز می‌تواند سودمند باشد، نیازمند مشخص کردن شرایط مورد نیاز مدیران مدارس برای استفاده از قدرت تصمیم‌گیری خود است (خورشیدی، 1383).

مدیران چگونه تصمیم می‌گیرند؟ از آنها چه انتظاراتی می‌رود؟ تصمیم‌گیری‌های آنان با عوامل دیگر چه رابطه‌ای دارند؟ تحقیق حاضر در صدد بررسی الگوی تصمیم‌گیری مدیران

مدارس متوسطه براساس سه الگوی عقلانی، رضایت‌بخش و آشوبناک است. فرد مارچ و سایمون تصمیم‌گیری عقلانی را مناسب‌ترین واحد تحلیل و مطالعه‌ی سازمانها و فهم رفتار سازمانی می‌دانند (علاقه بند، 1380). تصمیم‌گیری عقلانی بهترین شیوه‌ی تصمیم‌گیری در سازمانهایی است که در تعقیب اهداف خاص و معینی هستند. عقلانیت به این معنا که: انسان می‌خواهد عملی انجام دهد، راه و روشی را برگزیند، وسیله و ابزاری را انتخاب کند که تا جایی که ممکن است به تأمین اهداف و ارزشهای خود و سازمان کمک نماید (سعادت، 1372). اما هر تصمیمی از جمله تصمیم‌گیری‌های عقلانی تحت شرایط خاصی اتخاذ می‌شوند. تصمیم‌گیری در حال حاضر از جمله مهارت‌های مدیریت است که از خصوصیات، محیط فیزیکی و محیط اجتماعی وی متأثر است (حاضر، 1373). فرایند تصمیم‌گیری تحت تأثیر اطلاعاتی که در دسترس است، تعداد راه‌حلهایی که قابل آزمایش است و فشار اعمال شده از طرف محیط‌های داخلی و خارجی قرار می‌گیرد. یک سازمان باید در اندیشه‌ی این محدودیتها و چگونگی تأثیر آن بر تصمیم‌گیرنده باشد (قهرمانی، 1383).

این تحقیق سعی بر آن دارد که با یک دیدگاه سیستمی در قالب سه مجموعه‌ی مدیریتی، ساختاری و اطلاعاتی به بررسی محدودیت‌های تصمیم‌گیری در مدارس متوسطه پردازد. پژوهشگر با اشراف به این موضوع که هیچ نوع ایده‌آلی از تصمیم‌گیری وجود ندارد و شرایط موجود تعیین‌کننده‌ی رویکرد انتخابی خواهد بود، در پی بررسی این شرایط در مدارس می‌باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش :

اهمیت و ضرورت اجرای این طرح را می‌توان از ابعاد مختلف مورد بحث قرار داد. از یک سو آموزش و پرورش جایگاه و نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه دارد، ولی نه آموزش و پرورش توانسته است به نیازهای مختلف جامعه پاسخی شایسته دهد و نه جامعه پذیرای خیل فارغ التحصیلان دبیرستانی در دانشگاه و یا استخدام در مراکز دولتی می‌باشد (نطاق، ۱۳۷۶). این در حالیست که عملکرد آموزش و پرورش برآیند عملکرد زیرمجموعه‌های آن یعنی مدارس است. در نتیجه هر تحقیقی در حوزه‌های مختلف آن را می‌توان مهم و ضروری به شمار آورد. از سوی دیگر عباس-پور (1383) ریشه‌ی تنگناهای جدی و چالش و کاستی‌هایی که اکنون بر گستره‌ی آموزش و پرورش سایه افکنده را در توسعه‌ی منابع انسانی آموزش و پرورش به گونه‌ی اعم و توسعه‌ی مدیریت به گونه‌ی اخص می‌داند. وی هر گونه مطالعه و اقدام در زمینه‌ی توسعه‌ی آموزش و پرورش را بدون توجه به امر مدیریت در آن عقیم می‌داند. بقای یک سازمان در جهان رقابتی امروز وابسته به تصمیماتی است که از سوی مدیران اتخاذ می‌شود. تصمیمات درست مدیران موجب رشد یک سازمان و تصمیمات غلط منجر به عدم کارایی سازمان آنها می‌شود (مهرگان، ۱۳۸۰). به علت ارزشمند و حیاتی بودن تصمیمات مدیران برای اجرای نقش مؤسسات این موضوع همواره بطور سنتی در ادبیات مدیریت مورد توجه بوده است (رزاق‌مندی، 1380). علاقه‌بند (۱۳۷۲) مدیریت آموزشی را عبارت از تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات درباره‌ی آموزش و پرورش می‌داند. با این وجود علاوه بر عوامل کلی فوق، می‌توان موارد زیر را به عنوان عوامل ضرورت‌بخش اجرایی این تحقیق ذکر کرد :

- تصمیم‌گیری غیراثربخش موجب اتلاف گسترده‌ی منابع انسانی، مالی و مادی آموزش و پرورش است. از طریق افزایش اثربخشی تصمیم‌گیری می‌توان از اتلاف منابع جلوگیری کرد. بویژه در دوره‌ی متوسطه که اثرات آن مستقیم به جامعه برمی‌گردد.

- با توجه به اینکه تمرکززدایی و انتقال اختیار و قدرت تصمیم‌گیری به سطح مدرسه در کشور ما مراحل کودکی خود را می‌گذراند، داده‌های این تحقیق می‌تواند کمکی باشد به بسترشناسی و بسترسازی دانش، بینش و توانش تصمیم‌گیری مدیران و ترمیم علمی آن در سطح مدارس متوسطه.

- فراهم کردن شرایط بهتر برای تصمیم‌گیری مدیران می‌تواند باعث افزایش مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، اعتماد به نفس و نوآوری مدیران و به دنبال آن رشد و بالندگی بیشتر دانش‌آموزان، معلمان، کارکنان و در نهایت سازمان آموزشی شود.

- تصمیم‌گیری درست مدیران از طریق افزایش کارایی و اثربخشی مدارس باعث بالارفتن اعتماد و تعلق اجتماعی نسبت به مدیران و در نتیجه ارتقاء منزلت و در نهایت دادن اختیارات بیشتر به آنان می‌شود.

- با توجه به اندک بودن سوابق پژوهشی در زمینه تصمیم‌گیری در مدارس، نتایج این تحقیق می‌تواند منابع علمی این حوزه را تقویت نموده و زمینه انجام مطالعات گسترده‌تر بعدی را فراهم نماید.

- نتایج این تحقیق به طور غیرمستقیم می‌تواند به برنامه‌ریزان برای توانمندسازی مدیران و شناخت بیشتر مؤلفه‌های بهره‌وری نیروی انسانی در شرایط مدرسه کمک کند.

- ارتقاء شرایط تصمیم‌گیری در مدارس انگیزه‌ی مدیران را جهت ایفای نقش حرفه‌ای آنان و شرکت در دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت و تحصیلات عالی، افزایش می‌دهد.

اهداف پژوهش:

هدف نهایی این تحقیق روشن کردن عوامل محدود کننده تصمیم‌گیری مدیران در مدارس و بهبود شرایط برای تصمیم‌گیری آنان است. به نحوی که کاربست آنها بتواند توانایی خودگردانی در سطح مدرسه را ایجاد کند. زمینه‌ی لازم برای تفویض اختیار بیشتر به مدیران فراهم شود. افزایش کارایی و اثربخشی مدارس و بالا رفتن رضایت شغلی مدیران ممکن شود. در قالب این هدف اصلی می‌توان اهداف جزئی زیر را در نظر گرفت:

- 1- شناسایی الگوی تصمیم‌گیری مدیران مدارس بر اساس سه الگوی عقلایی، رضایت بخش، آشوبناک.
- 2- طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل نواقص و کاستیهای تصمیم‌گیری مدیران به تفکیک سه عامل ساختاری، اطلاعاتی و مدیریتی.

پرسشهای پژوهش:

- کدام یک از الگوهای تصمیم‌گیری (عقلایی، رضایت‌بخش، آشوبناک) اساس کار مدیران مدارس متوسطه تهران است؟
- نواقص و کاستیهای تصمیم‌گیری عقلانی مدیران بر اساس سه عامل (ساختاری، مدیریتی و اطلاعاتی) کدام است؟
- برای اصلاح و بهسازی تصمیم‌گیری مدیران در مدارس متوسطه چه راهکارهایی وجود دارد؟

تعاریف نظری واژه‌ها

تعاریف نظری واژه‌هایی که به تفصیل در فصل دو آمده در این قسمت ذکر نشده است.

مدیریت

کنتز و دیگران (۱۹۹۸) معتقدند مدیریت عبارت است از فرایندی برای حل مسائل مربوط به تأمین اهداف سازمانی به نحو مطلوب از طریق استفاده مؤثر و کارآمد از منابع کمیاب در یک محیط در حال تغییر (طوسی، ۱۳۷۰).

مدیریت آموزشی^۱

مدیریت آموزشی مجموعه فرایندهایی است که از طریق آن منابع انسانی و مادی لازم جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش فراهم می‌شود و با نفوذ بر رفتار کارکنان موجب اثربخشی می‌گردد (پرداختچی، ۱۳۷۹).

کار مدیران آموزشی شامل ایجاد، توسعه، حمایت و تشویق آن مناسبات سازمانی است که به طور بنیادی از فعالیتهای اصلی مدرسه یعنی یادگیری و تدریس تبعیت می‌کند (گلدايونس، ۱۳۸۲).

مدیر

مدیر به فردی گفته می‌شود که طبق آیین‌نامه‌های اجرایی مدارس، صادره از سوی شورای عالی آموزش و پرورش، شرایط احراز پست مدیریت را داشته باشد، که پس از انتصاب به عنوان نماینده وزارت آموزش و پرورش مسئول اجرای بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های آموزشی می‌باشد (سلطانی، 1383).

دبیرستان

به واحد آموزشی اطلاق می‌شود که در دوره‌ی متوسطه، جهت آموزش دروس دوره‌ی نظری، مشغول به فعالیت می‌باشد (سلطانی، 1383).

¹Educational Administration

تعاریف عملیاتی واژه‌ها

تصمیم‌گیری

پرسشنامه‌ی این تحقیق با عنوان سبک تصمیم‌گیری مدیران یک پرسشنامه‌ی 15 سئوالی است که به بررسی سبک تصمیم‌گیری مدیران اختصاص داده شده است. با توجه به پاسخ مدیران و امتیازی که به دست می‌آورند، مدل تصمیم‌گیری آنها در یکی از سه مدل عقلانی، رضایت‌بخش و آشوبناک قرار می‌گیرد.

تصمیم‌گیری عقلانی

امتیازی است که به پاسخ مدیران به سئالات 1 تا 6 پرسشنامه‌ی اول (سبک تصمیم‌گیری مدیران) اختصاص داده شده است. این سئالات میزان رعایت مراحل اصلی تصمیم‌گیری عقلانی توسط مدیران هنگام اتخاذ تصمیمات را می‌سنجد.

تصمیم‌گیری رضایت‌بخش

امتیاز یا نمره‌ای است که به پاسخ مدیران به سئالات 7 تا 9 پرسشنامه‌ی اول داده می‌شود. مؤلفه‌های بررسی راه‌حلهای محدود، استفاده از اطلاعات در دسترس با توجه به تعاریف نظری این مدل در این سئالات مورد سؤال قرار گرفته‌اند.

تصمیم‌گیری آشوبناک

سئالات 10 تا 15 پرسشنامه‌ی اول با بررسی مؤلفه‌های این مدل که شامل وجود مراجع متعدد ذی نفوذ، تصمیم‌گیری‌های تصادفی و وجود اهداف نامشخص می‌باشد، این مدل از تصمیم‌گیری را می‌سنجد.

عوامل ساختاری و امکاناتی

عوامل ساختاری و امکاناتی مؤثر در تصمیم‌گیری، شامل: روشن بودن اهداف، روشها و رفتار سازمان نسبت به تصمیم‌گیری، میزان حمایت، مشخص کردن وظایف، در اختیار گذاشتن زمان و هزینه کافی در قالب این عنوان دسته‌بندی و بررسی شده‌اند. . سؤالات 1 تا 15 و 34 پرسشنامه‌ی دوم به این موضوع اختصاص داده شده است.

عوامل اطلاعاتی و دانشی

عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری چون دسترسی به اطلاعات کافی و متناسب، ارتباط با مدارس دیگر، استفاده از نظرات متخصصان حتی خارج از سازمان و نتایج پژوهشها تحت این عنوان بررسی شده‌اند. . سؤالات 16 تا 26 پرسشنامه‌ی دوم به این موضوع اختصاص داده شده است.

عوامل مدیریتی

محدودیت‌هایی شامل: پایبندی به تعهدات قبلی، اتکای بیش از حد بر تجربیات فردی، جمع‌آوری اطلاعات موافق، علایق ضمنی، جزئی‌نگری و یک بعدی شدن، جلب نظر مافوق، نداشتن انگیزه، میزان آشنایی با کامپیوتر تحت این عنوان دسته‌بندی شده و بوسیله‌ی سؤالات 23 تا 35 پرسشنامه‌ی دوم (به غیر از سؤال ۳۴) مورد بررسی قرار گرفته‌اند.